



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره رای خیمیل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توره

Vayera

Even Higher Than Angels

ویرا: حتی بالاتر از فرشتگان

این یکی از مشهورترین صحنه های تورات است. ابراهیم در ورودی خیمه اش در گرمای ظهر نشسته که سه غریبه سر می رسند. آنها را دعوت به استراحت و خوردن غذا می کند. متن، آنها را 'اناشیم' می نامد یعنی مردان. آنها دراصل فرشتگانی هستند که آمده اند بگویند سارا فرزندی به دنیا خواهد آورد (پیدایش ۱۸).

این باب به نظر ساده می آید. اما یکی از پیچیده ترین و مبهم ترین باب ها در تورات است. سه بخش دارد:

آیه ۱: خدا به ابراهیم ظاهر می شود.

آیه ۲-۱۶: ابراهیم و مردان/فرشتگان.

آیه ۳۳-۱۷: دیالوگ میان خدا و ابراهیم درباره ی سرنوشت سدوم.

این بخش ها چگونه به یکدیگر مربوط می شوند؟ آیا یک صحنه هستند، یا دو یا سه تا؟ هر یک از این صحنه ها رویدادی جداگانه است. ابتدا خدا به ابراهیم پدیدار می شود و به قول راشی "به عیادت بیمار" یعنی ابراهیم پس از ختنه می آید. سپس مسافران سر می رسند با خبری درمورد فرزند سارا. بعد گفتگوی مهم پیرامون عدالت رخ می دهد. هارامبام در راهنمای سرگشتگان ۲:۴۲ بر آن است که آنها مجموعاً دو صحنه هستند: اولین آیه هیچ رویدادی را توصیف نمی کند، بلکه یک پیشدرآمد است.

دومین امکان این است که ما یک صحنه‌ی دنباله دار داریم. خدا به ابراهیم پدیدار می شود، اما پیش از آنکه سخن بگوید، ابراهیم رهگذران را می بیند و از خدا می خواهد که صبر کنند تا به آنها غذا بدهد. تنها وقتی می روند در آیه ۱۷ ابراهیم به سوی خدا روی می کند و گفتگوی آنها آغاز می شود.

این که چگونه این باب را تفسیر می کنیم، ترجمه‌ی ما از واژه‌ی آدونای در آیه‌ی سوم را تعیین می کند. می تواند هم به معنای خدا باشد و هم "سروران من" یا 'آقایان'. در معنای اول روی سخن ابراهیم، عرش است. در دومی، روی سخن او رهگذران هستند.

چندین مترجم زبان انگلیسی دومین معنا را برگرفته اند، برای نمونه:

خدا به ابراهیم پدیدار شد... او به بالا نگریست و سه مرد بالای سر خود دید. با دیدن آنها از خیمه اش به بیرون شتافت تا با آنها دیدار کند. او با تعظیمی به آنها گفت: آقایان اگر مرا قابل می دانید بدون ورود به خیمه از اینجا نگذرید.

همین ابهام در باب بعدی رخ می دهد (۱۹:۲)، وقتی دو بازدیدکننده‌ی ابراهیم (که در این باب همچون فرشتگان معرفی شده اند) در سدوم به دیدار لوط می روند:

دو فرشته هنگام غروب به سدوم وارد شدند، در حالی که لوط بر دروازه های شهر نشسته بود. وقتی آنها را دید، برخاست تا با آنها آشنا شود، تعظیمی کرد و گفت: "از شما خواهش دارم آقایان که برای گذران شب به منزل من بیاید و پاهایتان را بشوید."

معمولاً، تفاوت در تفسیر از روایت های تورات، هیچ معنای هلاخایی ندارند. این تفاوت ها در اختلاف نظر، دارای مشروعیت هستند. اما این مورد غیرمعمول است، زیرا اگر آدونای را 'خدا' ترجمه کنیم، نامی مقدس است و هم شیوه‌ی

نگارش آن توسط کاتب نسخه‌ی تورات و هم رفتار ما با نوشته یا توماری شامل آن متفاوت خواهد بود و روش برخورد ما با آن شامل قوانینی سختگیرانه در یهودیت است. اگر آنرا 'سروران من' یا 'آقایان' ترجمه کنیم، هیچ ملاحظه‌ی خاصی لازم نیست.

ساده‌ترین خوانش هر دو متن – یکی آنکه به ابراهیم می‌پردازد و دیگری آنکه به لوط مربوط است – هر دو را به معنای آقایان می‌داند. اما قانون یهود حکم دیگری دارد. در مورد دوم – یعنی صحنه‌ی لوط – این واژه 'آقایان' خوانده می‌شود، اما در صحنه‌ی اول، 'خدا' خوانده می‌شود. این امری فوق‌العاده است، زیرا چنین معنی می‌دهد که ابراهیم سخن خدا را قطع کرد و از او خواست تا منتظر بماند تا او از مسافران پذیرایی کند. سنت تلمودی این گونه‌ی دربارگی خواندن این بخش حکم کرده است:

خداوند به ابراهیم پدیدار شد... او به بالا نگرست و سه مرد بالای سر خود دید. با دیدن آنها از خیمه اش به بیرون شتافت تا با آنها خوشامد گوید. به آنان تعظیمی کرد و (رو به خدا) گفت: سرورم (خداوند) اگر مرا قابل می‌دانی بدون ورود به خیمه از اینجا نگذر. (یعنی لطفاً صبر کن تا من از این مردان پذیرایی کنم.) او سپس رو به مردان گفت: "اندکی آب بیاورم تا پاهایتان را بشوید و زیر درخت استراحت کنید..." پیدایش

۱-۵: ۱۸

این تفسیر جسورانه پایه‌ی یک اصل در یهودیت شد: "میهمان‌نوازی بر ایستادن در حضور خدا تقدم دارد." ابراهیم در برابر گزینش میان گوش سپردن به خدا و میهمان‌نوازی از چند انسان (زیرا انسان به نظر می‌رسیدن) دومی را برگزید. خدا تقاضای او را پذیرفت و صبر کرد تا ابراهیم به مسافران غذا و نوشیدنی بدهد تا بعد دربارگی عاقبت سدوم با او گفتگو کند.

چگونه می‌تواند چنین باشد؟ آیا در بهترین حالت بی‌احترامی و در بدترین حالت، کفر نیست که نیازهای انسان‌ها را مقدم به ایستادن در حضور خدا بدانیم؟

این متن می‌خواهد به ما چیزی را بگوید که ژرفای بسیاری دارد. بت پرستانِ زمانِ ابراهیم، خورشید، ستارگان و نیروهای طبیعت را به عنوان خدایان می‌پرستیدند. آنان پرستندگان قدرت و قدرتمندان بودند. ابراهیم می‌دانست که خدا خود طبیعت نیست، بلکه ورای آن است. تنها یک چیز در جهان هست که خدا صورت خود را به آن بخشیده:

فرد انسان، هر فرد، خواه قدرتمند و خواه بیقدرت. نیروهای طبیعت غیرفردی هستند و این روی است که هر کس آنها را پرستد، در نهایت، انسانیت خود را از دست می دهد. چنان که مزامیر می سراید:

بت هایشان از نقره و طلا توسط دستان انسان ها ساخته شده اند. آنها دهان دارند، اما نمی توانند سخن بگویند، چشم دارند، اما نمی بینند؛ گوش دارند، اما نمی شنوند؛ بینی دارند اما نمی توانند بو را حس کنند. سازندگان بت ها عین آنها می شوند و هر کس به آنها اعتماد کند، مانند آنها می گردد. مزامیر ۱۱۵

نمی توانید نیروهای غیرفردی را پرستش کنید و یک فرد باقی بمانید: فردی که دلسوز، انسانی، سخاوتمند و بخشنده باشد. دقیقاً از این روی است که ما معتقد به خدای فردی هستیم، یعنی کسی که می توانیم به او بگوییم، 'تو'. و نیز به همین دلیل، کرامت انسان را مقدس می دانیم. ابراهیم، پدر یکتاپرستی، این حقیقت معماوار را می دانست که برای زیستی باایمان باید خطوط چهره‌ی خدا را در چهره‌ی فرد غریب دید. آسان است پذیرفتن حضور خدا وقتی همچون خدا پدیدار می شود. دشوار آن است که حضور الهی را در لباس مُبدل و همچون سه غریبه‌ی رهگذر احساس کنیم. این بود دلیل عظمت ابراهیم. او می دانست که خدمت به خدا و میهمان نوازی برای غریبان نه دو امر جداگانه، بلکه یک چیز بودند.

یکی از زیباترین تفسیرها بر این رویداد توسط ربی شالوم اهل بلز ارائه شده که گفت در آیه‌ی ۲، بازدیدکنندگان از مکانی بالای سر ابراهیم با او سخن می گویند [nitzavim alav]. اما در آیه‌ی ۸ ابراهیم ایستاده بالای سر آنها توصیف شده است [omed alehem]. او گفت: ابتدا بازدیدکنندگان بالاتر از ابراهیم بودند، زیرا آنان فرشته بودند و ابراهیم فقط یک موجود انسانی بود. اما وقتی که ابراهیم به آنان خوراک، نوشیدنی و سرپناه داد، او حتی بالاتر از فرشتگان خدا قرار گرفت. ما خدا را با احترام به صورت او که در نوع بشر به ودیعه گذاشته شده، حرمت می گذاریم.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org @RabbiSacks
The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved

